متن درسى مقطع دبيرستان

راه و رسم زندگى (7)

خدمت‏رسانى به مردم‏

محمد سبحانى‏نيا

يكى از ضرورت‏هاى زندگى اجتماعى كه نقش مهمى در پيوند برادرىِ آحاد جامعه دارد، سعى و تلاش در رفع نيازمندى‏ها، رسيدگى به حال دوستان و اطرافيان و بر طرف كردن احتياجات ديگران است.

اسلام كه همواره مى‏كوشد روح هم‏بستگى را در ميان پيروان خود ايجاد كند و به طور كلى اجتماع سالمى را به وجود آورد، به اين موضوع بسيار توجه كرده تا آن‏جا كه بر آوردن حقوق مردم را هم‏پايه اداى حق خداوند به حساب آورده است.

به دليل اهميت و تأثير شگرفى كه وجود روحيه تعاون و هم‏دردى نسبت به يك‏ديگر و خدمت صادقانه به خلق خدا در زندگى مردم دارد، مناسب ديديم در اين شماره موضوع «خدمت رسانى» را از دريچه آيات و روايات معصومين (عليهم السلام) بررسى نماييم. به اميد آن‏كه مقوله خدمت به مردم مانند نماز و روزه و دعا و توسل، در جامعه اسلامى به صورت يك فرهنگ در آيد و آن را يك «عبادت بزرگ» به حساب آوريم.

خاستگاه خدمت‏

يكى از عالى‏ترين تمايلات انسانى، احساسات و عواطف لطيفى است كه از اعماق جان او مى‏جوشد و به صورت كمك و احسان و خدمت به هم‏نوع در صفحه زندگى تجلّى مى‏يابد. انسان همانند سنگ، بى‏روح نيست كه به هم‏نوع خود بى‏تفاوت باشد و هيچ حسى نداشته باشد.

استاد مطهرى (ره) خدمت به هم‏نوع را خواسته طبيعى انسان مى‏داند و مى‏گويد: «خواسته‏هاى طبيعى، آن چيزهايى است كه ناشى از ساختمان طبيعى بشر است. يك سلسله امورات [است ]كه هر بشرى به موجب آن‏كه بشر است، خواهان آنهاست و رمز آنها را هم هنوز كسى مدعى نشده كه كشف كرده است؛ مثلاً بشر علاقه‏مند به تحقيق و كاوش علمى است و به مظاهر جمال و زيبايى و تشكيل كانون خانوادگى و توليد نسل با همه زحمت‏ها و مرارت‏هايش، علاقه‏مند است. به هم‏دردى و خدمت به هم‏نوع، علاقه‏مند است. اما چرا بشر [به اين موضوعات‏] علاقه‏مند است؟... ما خواه جواب اين چرا را بدهيم و خواه نتوانيم بدهيم، چيزى كه براى ما قابل ترديد نيست، اين است كه اين خواسته‏ها طبيعى است.»(1)

جاى‏گاه و ارزش خدمت‏رسانى در اسلام‏

خدمت به مردم، در تعاليم آسمانى اسلام، از موقعيت ممتازى برخوردار است. در اين‏جا از زبان ائمه بزرگوار به گوشه‏هايى از ارزش‏هاى خدمت رسانى اشاره مى‏كنيم:

1 - معيار و ملاك ارزش‏مندى انسان: پيامبر اكرم (ص) مى‏فرمايد: «خصلتان ليس فوقهما من البر شى‏ء: الايمان بالله و النفع لعباد الله؛(2) دو خصلت نيكوست كه برتر از آن چيزى نيست: ايمان به خدا و نفع رساندن به بندگان او.»

2 - شاخصه ايمان: يكى از ياران امام صادق (ع) مى‏گويد: از آن حضرت شنيدم كه فرمود: «المؤمنون خدم بعضهم لبعض قلت: و كيف يكون خدماً بعضهم لبعض؟ قال: يفيد بعضهم بعضاً؛(3) مؤمنان خدمت‏گزار يك‏ديگرند. گفتم: چگونه؟ فرمود: به يك‏ديگر فايده مى‏رسانند.»

پس معلوم مى‏شود آنان كه از مسئوليت‏هاى اجتماعى روى بر مى‏تابند و فقط به عبادت دل خوش كرده‏اند، در حقيقت مؤمن واقعى به حساب نمى‏آيند.

3 - محبوبيت در پيش‏گاه خدا: از پيامبر اسلام (ص) پرسيدند: محبوب‏ترين فرد در پيش‏گاه خدا كيست؟ فرمود: «انفع الناس للناس؛(4) محبوب‏ترين فرد كسى است كه بيشتر از همه براى مسلمانان مفيد باشد.»

4 - سرآمد اعمال عاقلانه: پيامبر اكرم (ص) مى‏فرمايد: رأس العقل بعد الدين التودد الى الناس و اصطناع الخير الى كل برّ و فاجر؛(5) پس از ايمان به خدا و دين، سرآمد عقل، بشر دوستى و نيكى به مردم است، چه خوب باشند و چه فاسق.»

5 - ملاك برترى: مردى از سفر حج برگشته بود و سرگذشت مسافرت خود و همراهانش را براى امام صادق (ع) تعريف مى‏كرد، مخصوصاً يكى از هم‏سفران خويش را بسيار مى‏ستود كه چه مرد بزرگوارى بود. ما به معيّت اين مرد شريف، مفتخر بوديم. يك‏سره مشغول طاعت و عبادت بود. همين كه در منزلى فرود مى‏آمديم فوراً به گوشه‏اى مى‏رفت و سجاده خويش را پهن مى‏كرد و به طاعت و عبادت خويش مشغول مى‏شد. امام (ع) فرمود: پس چه كسى كارهاى او را انجام مى‏داد؟ گفت: البته افتخار اين كارها با ما بود. او فقط به كارهاى مقدس خويش مشغول بود و كارى به اين كارها نداشت. حضرت فرمود: پس همه شما از او برتر بوده‏ايد.(6)

6 - عبادت بودن خدمت به مردم: عبادت در اسلام، معناى گسترده‏اى دارد و علاوه بر نماز و روزه، شامل نيكى و خدمت به مردم نيز مى‏شود. پيامبر اسلام (ص) مى‏فرمايد: هر فردى از مسلمانان چيزى را كه مايه رنج و آزار ديگران است، از سر راهشان بردارد، براى او يك حسنه نوشته مى‏شود و هر كس يك كار نيك از او قبول شود، به بهشت مى‏رود.(7)

قرآن به صراحت مى‏فرمايد: نيكى آن نيست كه رو به جانب مشرق و مغرب كنيد، لكن نيكوكار كسى است كه به خداى عالم و روز رستاخيز و فرشتگان و كتاب آسمانى و پيامبر الهى ايمان آورد و دارايى خود را در راه دوستى خدا به خويشان و يتيمان و فقيران و رهگذران و مستمندان بدهد و هم در آزاد كردن بندگان صرف كند و نماز به پا دارد و زكات مال را به مستحق برساند و وفا به عهد نمايد و در كارزار صبور باشد و به هنگام رنج و مشقّت، راه صبر را در پيش گيرد؛ كسانى كه بدين اوصاف آراسته‏اند، آنها به حقيقت راست‏گويان و اهل تقوايند.(8)

عجيب آن است كه در اين آيه، نيكوكارى و كمك به ديگران، قبل از نماز و زكات ذكر شده است تا معلوم شود خدمت به خلق جداى از بندگى خالق نيست و در واقع مردم، عيال خدايند و خدمت به آنان، خدمت به خداست.

يكى از شيعيان مى‏گويد: در مسجد الحرام مشغول طواف خانه خدا بودم. يكى از دوستانم از من درخواست دو دينار وام كرد. به او وعده دادم كه پس از طواف، حاجتش را بر آورده سازم. هنوز طوافم به پايان نرسيده بود كه امام صادق (ع) وارد شد و دست بر شانه‏ام نهاد و بر من تكيه كرد و هر دو مشغول طواف شديم. طواف من تمام شد، ولى به احترام امام صادق (ع) او را همراهى كردم و طواف را ادامه دادم. آن مرد حاجت‏مند كه در كنارى نشسته بود و امام صادق (ع) را نمى‏شناخت، به خيال آن‏كه من حاجتش را فراموش كرده‏ام هر بار كه از مقابلش مى‏گذشتم با دست اشاره مى‏كرد. امام (ع) از من پرسيد: چرا اين مرد به تو اشاره مى‏كند؟ گفتم: فدايت شوم، او منتظر من است كه پس از طواف نزد او بروم و وامى به او بدهم و چون دست مبارك شما بر شانه من است خوش ندارم شما را ترك گويم. امام (ع) بدون لحظه‏اى درنگ، دست از روى شانه من برداشت و فرمود: مرا به حال خود گذار و برو حاجت او را برآور. من رفتم و كار او را اصلاح كردم. روز بعد امام صادق (ع) را ديدم كه با اصحابش سخن مى‏گفت تا مرا ديد سخن خود را قطع كرد و فرمود: اگر براى برآوردن حاجت يكى از برادران مؤمن خود سعى كنم نزد من بهتر است از آزاد كردن هزار بنده و بسيج نمودن هزار نفر در راه خدا.(9)

يكى از بزرگان مى‏گويد: يك سال تابستان به اتفاق امام خمينى (ره) و چند تن از روحانيان براى زيارت امام رضا (ع) به مشهد مشرّف شديم. بعد از ظهرها به حرم مى‏رفتيم و پس از زيارت و نماز به خانه باز مى‏گشتيم. امام راحل (ره) همراه ما به حرم مى‏آمد وقتى ما از حرم بر مى‏گشتيم مى‏ديديم همه چيز فراهم و رو به راه است و چايى نيز آماده شده است. يك روز به امام عرض كردم: اين چه كارى است كه شما مى‏كنيد و زحمت مى‏كشيد، دعا و زيارت را براى چايى دم كردن مختصر مى‏كنيد و با شتاب به خانه باز مى‏گرديد؟ ايشان در پاسخ فرمود: من ثواب اين خدمت را كمتر از آن زيارت و دعا نمى‏دانم.(10)

صدها فرشته بر آن دست بوسه مى‏زنند

كز كار خلق يك گره بسته وا كند

7 - درخواست توفيق خدمت به مردم از خداوند: خدمت به مردم به اندازه‏اى اهميت دارد كه امامان معصوم (عليهم السلام) از خداوند توفيق انجام آن را طلب مى‏كردند. امام سجاد (ع) در دعاى خود مى‏گويد: «اللهم صل على محمد و آله و... اجر للناس على يدى الخير؛(11) خدايا بر محمد و آلش درود فرست و... به دست من كارهاى خير را براى مردم جارى كن.»

در جاى ديگر مى‏گويد: خدايا بر من لباس تقوا بپوشان تا بتوانم در راه فضل و كمال، از ديگران پيش بيفتم و زيادى مالم را به مستمندان ايثار كنم.(12)

8 - تشويق شيعيان به خدمت رسانى: امامان بزرگوار همواره مردم را به خدمت‏رسانى تشويق مى‏كردند. امام سجاد (ع) به فرزندش مى‏فرمايد: هر كس از تو انجام كار خيرى را خواست برايش انجام ده، اگر اهلش بود، درست عمل كردى وگرنه تو خود اهل خير شده‏اى.(13)

شخصى در حضور امام حسين (ع) گفت: اگر به نا اهل نيكى شود، ضايع مى‏شود، حضرت فرمود: اين طور نيست، نيكى كردن مانند باران تند و شديدى است كه به همه جا مى‏بارد و چمن و شوره‏ار نمى‏شناسد.(14)

گستره ميدان خدمت‏

از آن جا كه طرف حساب انسان‏هاى خدمت‏گزار، پروردگار كريم است، در حوزه خدمت، مجالى گسترده گشوده شده است. حتى به فردى كه نيت خدمت مى‏كند پاداش تعلّق مى‏گيرد. امام رضا (ع) مى‏فرمايد: روز قيامت، مؤمن را در پيش‏گاه الهى مى‏آورند تا از او حساب‏رسى نمايند. پرونده عملش را بر او عرضه مى‏كنند. با ديدن حسناتش شادمان و با ديدن گناهانش ناراحت مى‏شود. آن‏گاه خداوند به فرشتگان دستور مى‏دهد پرونده‏هايى را كه مربوط به كارهايى است كه انجام نداده بياورند. آنها را مى‏خوانند. او مى‏گويد: خدايا به عزتت سوگند، خود مى‏دانى كه هيچ يك از اين كارهاى خير را انجام نداده‏ام. خداوند مى‏فرمايد: درست است ولى نيت انجام آنها را داشته‏اى، ما هم در پرونده اعمالت نوشتيم. آن‏گاه به همان نيت‏ها هم به او پاداش مى‏دهند.(15)

دامنه خيرات و نيكى‏ها بسيار گسترده است. پس، از خدمت به ظاهر ناچيز هم نبايد چشم پوشيد. رسول اكرم (ص) مى‏فرمايد: «انّ على كل مسلم فى كل يوم صدقة قيل: من يطيق ذلك؟ قال اماطتك الاذى عن الطريقة صدقة؛(16) بر هر فردى از مسلمانان لازم است هر روز كار نيكى انجام دهد. گفته شد: چه كسى قادر است هر روز كار نيك انجام دهد؟ رسول خدا (ص) پاسخ دادند: همين كه از سر راه و معابر عمومى مسلمانان، موانع و اشياى مزاحم را برداريد، اين عمل شما صدقه است و كار نيك محسوب مى‏شود.»

اين روايت، گستره خدمت‏رسانى را بيان مى‏كند و نشان مى‏دهد در همه زمينه‏ها اعم از فرهنگى، اجتماعى، اقتصادى، روانى و... خدمت‏رسانى صدق مى‏كند. البته برداشتن سنگى از سر راه مسلمانان، حداقل خدمتى است كه براى يك فردِ بدون امكانات، ميسّر است. وگرنه براى كسانى كه از جهات گوناگون امكانات وسيعى دارند، بايد به نسبت موقعيت و وضع خود، به كار نيك اقدام كنند، چرا كه بين افراد و كارهاى آنها يك رابطه نسبى وجود دارد. پس، هر كس مى‏تواند از خرمن نيكى‏ها خوشه‏اى بر چيند، گرچه با برداشتن سنگى از سر راه مسلمانان يا خارى از مسير روندگان يا غمى از دل غم زدگان و يا بارى از دوش مستمندان باشد.

از نظر اسلام، خدمت به مردم و هم‏نوع، عملى است مطلوب و شايسته و در هر جا و به هر كس كه خدمت شود پسنديده و مورد ستايش است. پيامبر اسلام (ص) مى‏فرمايد: پس از ايمان به خدا، سرآمد عقل، بشر دوستى و نيكى به مردم است، چه خوب باشند و چه بد.(17)

در اين روايت، خدمت به مردم، مطلقاً ارزش‏مند دانسته شده و محدوديتى در آن قائل نشده است. پس معلوم مى‏شود كه خدمت‏رسانى، ارزش ذاتى دارد و به غير مؤمن خدمت كردن نيز، نيكوست. حتى از نظر قرآن كريم به كافر هم مى‏توان احسان و خدمت كرد، ولى به شرط اين‏كه به ضرر مصالح بشرى نباشد. قرآن مى‏فرمايد: «لا ينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم فى الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبرّوهم؛(18) خدا شما را نهى نمى‏كند از احسان به آن عده از كفار كه به شما بدى نكرده‏اند و در راه دين با شما نجنگيده‏اند.»

گرچه در احسان و خدمت كردن، مرزى وجود ندارد اما نبايد از نظر دور داشت كه كمك به ستم‏گران، در حيطه وظايف مسلمان نيست، بلكه گناه محسوب مى‏شود.

خدمت به حيوان‏

از ديدگاه اسلام، حتى حيواناتى كه از يك نظر پليدند مانند سگ، سزاوار خدمت‏اند و پليدى آنها مانع خدمت و ترحّم نمى‏شود.

پيامبر اسلام (ص) روزى اين داستان را براى يارانش نقل كرد كه مردى از بيابانى گذر مى‏كرد. ناگهان سگى را ديد كه از شدت تشنگى زبانش را به خاك‏هاى نمناك بيابان مى‏مالد. در آن‏جا چاه آبى بود، آن مرد كفش خودش را به شالى بست و به داخل چاه انداخت و از آن آب كشيد و جلوى سگ گذاشت. خداوند به پيامبر زمانش وحى كرد كه آن شخص را به دليل اين عملش بخشيده و به بهشت برد. در اين هنگام ياران پيامبر (ص) عرض كردند: آيا ما نيز مى‏توانيم با كمك به حيوانات از خدا پاداش بگيريم؟ حضرت فرمود: آرى، و به خاطر هر كبد زنده‏اى كه موفق به انجام خدمتى شويد، مأجور خواهيد بود.(19)

سعدى اين حديث را در بوستان خود چنين آورده است:

يكى در بيابان سگى تشنه يافت‏

برون از رمق در حياتش نيافت‏

كُله دلو كرد آن پسنديده كيش‏

چو حبل اندر آن بست دستار خويش‏

به خدمت ميان بست و بازو گشاد

سگ ناتوان را دمى آب داد

خبر داد پيغمبر از حال مرد

كه داور گناهان او عفو كرد

وقتى خدمت به مردم، خاستگاهى الهى داشته باشد، حجم و كميّت آن مهم نخواهد بود. پس هيچ خدمت خالصانه‏اى را نبايد كوچك شمرد. گاه خدمت با يك نگاه محبت‏آميز، مى‏تواند خدمتى ارزش‏مند به حساب آيد. به همين دليل امام سجاد (ع) مى‏فرمايد: «نظر المؤمن فى وجه اخيه المؤمن للمودة و المحبة عبادة؛(20) نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمنش از روى دوستى و محبت، عبادت است.»

جلوه‏هاى خدمت‏

خدمت به ديگران، به صورت‏هاى مختلفى ظاهر مى‏شود. از اين رو احاديث و روايات اسلامى، هر نوع خدمت‏گزارى را با هر عنوانى تشويق و ترغيب كرده است. در اين‏جا به نمونه‏هايى اشاره مى‏كنيم:

1 - سود رسانى: سودمندى، يكى از جلوه‏هاى خدمت‏رسانى است. مؤمن، انسانى است مبارك و پر سود براى ديگران. پيامبر اكرم (ص) مى‏فرمايد: «مثل المؤمن مثل النخلة ما اخذت منها من شى‏ء نفعك؛(21) شخص با ايمان همانند درخت خرماست كه هر چه از آن برگيرى، سودمند است.»

سراپاى زندگى انسانِ معتقد به خدا، اين ويژگى را تشكيل مى‏دهد كه در هر موقعيتى كه باشد و به هر درجه‏اى كه برسد، براى مردم نافع است و خود را خادم آنان مى‏داند. امام صادق (ع) در ذيل آيه شريفه «و جعلنى مباركاً اينما كنت»(22) فرموده‏اند: مباركاً يعنى نفاعاً؛ مبارك به معناى سود دهى است.(23)

2 - گره‏گشايى: يكى ديگر از جلوه‏هاى خدمت، برآوردن نيازهاى مادى و معنوى مردم است كه اسلام بدان سفارش اكيد نموده است، تا جايى كه در كتاب‏هاى روايى عنوانى به نام «قضاى حاجت مؤمن» به چشم مى‏خورد.(24)

از ديدگاه اسلام، گره‏گشايى، توفيقى است كه خداوند نصيب بندگان نيكش مى‏كند. امام حسين (ع) مى‏فرمايد: «ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم؛(25) نيازهاى مردم، از جمله نعمت‏هاى خداوند است براى شما. پس، از مراجعه مردم به خودتان اظهار دل‏تنگى نكنيد.»

امام كاظم (ع) نيز مى‏فرمايد: آن‏كه برادر دينى‏اش نيازى پيش او مى‏برد، رحمتى است الهى كه خداوند به سوى او فرستاده است. اگر آن نياز را برآورد، به ولايت ما رسيده و ولايت ما به ولايت خداوند پيوسته است و اگر آن نياز را رد كند، به خود ستم كرده و بدى رسانده است.(26)

دانى كه خدا چرا تو را داده دو دست‏

من معتقدم كه اندر آن سرّى هست‏

يك دست به كار خويشتن پردازى‏

با دست دگر ز بى‏كسان گيرى دست‏

بديهى است كه بر طرف كردن نيازهاى مردم شامل هرگونه اقدام مثبت و خيرخواهانه در مسائل مادى و معنوى مى‏شود مانند: نابينايى را دست‏گيرى كردن، يتيمى را سرپرستى نمودن، گمراهى را هدايت كردن، جاهلى را ارشاد نمودن و منحرفى را به راه آوردن.

3 - يارى به ديگران: از جمله جلوه‏هاى خدمت‏گزارى، يارى رساندن به ديگران است كه در فرهنگ اسلامى به آن «مواسات» مى‏گويند. امام صادق (ع) مواسات را حق افراد جامعه اسلامى بر يك‏ديگر دانسته و مى‏فرمايد: مسلمانان موظف‏اند در راه پيوستگى و كمك به نيازمندان كوشا باشند و به يك‏ديگرمحبت كنند.(27)

جامعه اسلامى مانند پيكر واحدى است كه با يك‏ديگر ارتباطى تنگاتنگ دارند. همان‏طورى كه كارى در يك عضو، موجب به هم خوردن تعادل در بدن مى‏شود، اگر نيازمندى به عللى نتواند خود را همپاى ديگران قرار دهد، شايسته است ديگران به او يارى دهند تا تعادل اجتماعى محقق شود.

4 - احسان: احسان به ديگران، جلوه‏اى ديگر از خدمت‏رسانى است. قرآن مجيد در كنار عدالت، مردم را به احسان فرمان داده است: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان.»(28)

از اين‏كه در آيه شريفه، احسان پس از عدل ذكر شده است، استفاده مى‏شود كه در مفهوم احسان، يك نوع گذشت از حقِ شخصى و ايثار نهفته است. علامه طباطبائى (ره) مى‏فرمايد: احسان به ديگران، نفع و نيكى رساندن به آنان است بدون انتظار پاداش مقابل.(29)

البته احسان، انواع و اقسامى دارد:

1 - احسان در مقابل احسان: قرآن كريم مى‏فرمايد: «هل جزاء الاحسان الا الاحسان؛(30) آيا پاداش نيكى جز نيكى است.»

2 - احسان ابتدايى: يعنى احسان به كسى كه او را نمى‏شناسد و قبلاً نيز خير و نيكى از ايشان دريافت نكرده است. اين خوبى، يك طرفه و بدون مقدمه است.

3 - احسان در مقابل كار بد: اين بالاترين مرتبه احسان است؛ يعنى كار بد فرد با نيكى پاسخ داده شود. خداوند اين برخورد كريمانه را به پيروان مكتب اسلام سفارش كرده است.(31)

بايسته‏هاى خدمت‏

خدمت به مردم، در صورتى مقبول درگاه الهى است كه شرايط لازم را داشته باشد. كه مهم‏ترين اين شرايط عبارت‏اند از:

1 - اخلاص: قبولى هر عملى از جمله خدمت‏رسانى، در گرو اخلاص و انگيزه داشتن است و اين همان چيزى است كه خدمت صادقانه را از خدمت فريب‏كارانه جدا مى‏كند. بسيارى از كارهاى خير افراد، وسيله‏اى براى ارضاى نيازهاى خودخواهانه قرار مى‏گيرد و در جهت رسيدن به مقاصد شخصى از آن استفاده مى‏شود. دكتر كارل، سيماى نيكوكارى را در جهان غرب چنين ترسيم مى‏كند: محرّك اعمال ما، نيل به يك پيشرفت شخصى و قبل از همه، امتيازات مالى و ارضاى حس خودنمايى، درجه عنوان، نشان افتخار و موقعيت اجتماعى است. اين نفع‏جويى، گاهى در لباس رياكارى و زير نقاب نوع دوستى، خود را پنهان مى‏كند. زنى كه به امور خيريه مى‏پردازد در عمق قلبش به فكر كمك به بيچارگان نيست، بلكه مى‏خواهد مدير مؤسسه‏اى شود يا با تهيه فروشگاهى نفع مادى ببرد.(32)

آن‏چه ارزش خدمت به مردم را بالا مى‏برد و يا از ارزشش مى‏كاهد، انگيزه‏هايى است كه خدمت بر اساس آنها شكل مى‏گيرد. برخى انگيزه خدمتشان احساس نوع دوستى و انسان‏گرايى است. اينان بر اين باورند كه خدمت به ديگران، مرز، نژاد، عقيده و... نمى‏شناسد، بلكه هر جا انسانى يافت شود بايد به او خدمت كرد. صاحبان اين تفكر، اصل خدمت را ملاك مى‏گيرند، اما به متعلّق آن كارى ندارند. اين انگيزه هر چند در خور ستايش است، اما كامل نيست.

انگيزه برخى ديگر، يك نوع داد و ستد است؛ يعنى قدمى بر مى‏دارند تا قدمى بر ايشان برداشته شود. به اصطلاح، كاسه آن‏جا رود كه قدح باز آيد. در اين بينش، نه انگيزه مردمى وجود دارد و نه احساس نوع دوستى. اينان خدمت مى‏كنند تا به نام و نانى برسند و شهرت و مقامى به دست آورند يا به اغراض و اهداف سياسى و مانند آن دست يابند. پس انگيزه اساسى آنان، عشق به اصل خدمت نيست.

اما عده سومى هستند كه از افقى بالا به انسان‏ها مى‏نگرند و در بينش آنان، همه مردم عيال خدايند. پس خدمت كردن به آنان، رنگ الهى دارد. براى تحصيل رضاى پروردگار، به خلق خدا خدمت مى‏كنند و آن را وظيفه دينى خويش مى‏شمارند. آن‏كه براى خدا، به خلق خدا خدمت مى‏كند، چشم‏داشت پاداش را هم فقط از خدا دارد و از ناسپاسى ديگران سست نمى‏گردد و انتظار ندارد مردم از زحمات او تقدير كنند و بر او آفرين بگويند.

2 - خوش‏رفتارى با خدمت جويان: اگر خدمت‏گزار، در كار خود خدا را در نظر داشته باشد، هرگز با مددجو بد اخلاقى نمى‏كند. هر گاه گدايى نزد امام سجاد (ع) مى‏آمد، مى‏فرمود: «مرحباً بمن يحمل زادى الى الاخرة؛(33) آفرين به كسى كه بار مرا به آخرت حمل مى‏كند.»

3 - شتاب در خدمت‏رسانى: يكى از آداب خدمت‏رسانى، شتاب و عجله در انجام آن است. از دست دادن دقت و منتظر نگه داشتن خدمت جويان، سبب پشيمانى و حسرت مى‏شود. امام على (ع) مى‏فرمايد: بر طرف كردن نيازهاى مردم (كه جلوه‏اى از خدمت‏رسانى است) پايدار نيست، مگر به سه چيز: كوچك شمردن خدمت تا خدا آن را بزرگ نمايد، پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشكار سازد و شتاب در بر آوردن نياز تا براى محتاج، گوارا باشد.(34)

دائم گل اين بستان، شاداب نمى‏ماند

در ياب ضعيفان را در وقت توانايى‏

آثار خدمت‏رسانى به خلق‏

خدمت به مردم، هم اثر دنيايى دارد و هم اثر اخروى. نمونه‏هايى از اين دو را مرور مى‏كنيم:

آثار دنيوى خدمت‏

1 - محبوبيت: در سايه خدمت به مردم، سيادت و سرورى به دست مى‏آيد. رسول اكرم (ص) مى‏فرمايد: «سيد القوم خادمهم؛(35) آقاى هر قومى، خدمت‏گزار آنان است.»

خادمان مردم، بر قلعه دل‏ها حكومت مى‏كنند و فاتح دژ قلب‏ها مى‏شوند. امام على (ع) مى‏فرمايد: هر كس نيكى خويش را به ديگران نثار كند، دل‏ها به او گرايش مى‏يابد.(36) بر اين اساس، پيامبران و اولياى الهى كه خادمان واقعى ملت‏ها بودند، بيش از ديگران، محبوب بودند.

2 - يارى و پشتيبانى مردم: طبيعى‏ترين اثر خدمت، يارى گيرنده خدمت است. امام سجاد (ع) مى‏فرمايد: در دنيا هيچ چيز يارى دهنده‏تر از نيكى به برادران نيست.(37)

آثار اخروى خدمت‏

1 - ايمنى در قيامت: امام على (ع) مى‏فرمايد: خداوند برخى از آفريده‏هاى خود را به بندگانش خلق كرده است، آنان را مورد توجه مردم و شايسته نيكوكارى قرار داده و مردم در نيازمندى‏هايشان به آنان روى مى‏آورند؛ آنان در روز قيامت، ايمن و آسوده‏اند.(38)

اى رهروى كه خير به مردم رسانده‏اى‏

آسوده رو كه بار تو بر دوش سائل است‏

2 - افزايش درجه خدمت‏رسانان در آخرت؛ 3 - آمرزش گناهان؛ 4 - ياور روز تنگ‏دستى (قيامت)؛ 5 - مقامات و قصرهاى بهشتى؛ 6 - پوشش در آخرت(39) و... از آثار ديگر خدمت‏رسانى است كه براى پرهيز از طولانى شدن بحث، به همين مقدار بسنده مى‏كنيم و به نقل روايتى از امام سجاد (ع) مى‏پردازيم. آن حضرت مى‏فرمايد: كسى كه يك حاجت برادرش را بر آورد (از اين طريق خدمتى نمايد)، خداوند صد حاجت او را برآورد. و كسى كه اندوهى را از دل برادرش بردارد، خداوند اندوه روز قيامت را از او بر طرف سازد، هر قد هم كه زياد باشد. و هر كس برادرش را كه در مقابل ستم‏كار قرار گرفته است، يارى دهد، خدا او را هنگام عبور از صراط، يارى كند. و كسى كه به دنبال نياز برادر مؤمنش برود و با برآوردن حاجتش او را شاد كند، چنان است كه رسول خدا (ص) را مسرور كرده است. و هر كس او را سيراب كند، خدا او را از شراب سر به مهر بهشتى سيراب مى‏سازد. و هر كس گرسنگى او را با طعام بر طرف كند، خدا او را از ميوه‏هاى بهشتى سير مى‏كند. و هر كس برهنه‏اى را بپوشاند، خدا او را با جامه‏هاى زربافت و حرير مى‏پوشاند... به خدا سوگند، بر آوردن حاجت مؤمن، در پيش‏گاه خدا محبوب‏تر از دو ماه روزه پى در پى با اعتكاف آن دو ماه در ماه حرام است.(40)

آثار خدمت نكردن‏

ترك خدمت به مردم، با وجود فراهم بودن زمينه آن، عواقب زيان‏بارى به دنبال دارد؛ از جمله:

1 - نزول بلا: امام سجاد (ع) مى‏فرمايد: از گناهانى كه باعث نزول بلا مى‏شود، به داد مظلوم نرسيدن و كمك نكردن به ستم‏ديدگان است.(41) بنابر بعضى روايات، نزول بلا بر يعقوب (ع) به دليل رد كردن سائل از در خانه‏اش بود. ابو حمزه ثمالى مى‏گويد: در يك روز جمعه نماز صبح را با امام زين العابدين (ع) به جا آوردم. امام به سوى منزل رفت، من هم با ايشان بودم. وقتى به منزل رسيديم، يكى از خادمه‏ها را صدا زد و فرمود: امروز روز جمعه است، هر نيازمندى آمد، مبادا رد كنى. من گفتم: هر سائلى كه مستحق نيست. فرمود: از آن مى‏ترسم كه يكى مستحق باشد و ما به او چيزى ندهيم و رد كنيم و به خانواده ما چيزى فرود آيد كه به يعقوب و خانواده‏اش نازل شد.(42)

يعقوب شبى بى‏خبر از گرسنه‏اى ماند

چهل سال خدا ساكن بيت الحزنش كرد

2 - پرده درى: امام سجاد (ع) مى‏فرمايد: از گناهانى كه پرده حيا را مى‏درد، نزديك نشدن به خداى - عزّ و جلّ - با نيكوكارى و صدقه است.(43)

3 - ذلت و عذاب اخروى: امام صادق (ع) مى‏فرمايد: هر مؤمنى كه دست رد بر سينه برادر نيازمندش بزند، با اين‏كه مى‏تواند از پيش خود يا ديگران، نياز او را بر آورد، خداوند در روز قيامت او را با روى سياه و چشم كبود و دست‏هاى به گردن بسته محشور مى‏كند، و سپس گفته مى‏شود: اين است خيانت كارى كه به خدا و رسولش خيانت كرده و آن‏گاه او را به دوزخ مى‏برند.(44)

4 - خروج از جرگه مسلمانان: اگر خدمت نكردن به مردم، ريشه در بى‏توجهى به امور مسلمانان داشته باشد در اين صورت بايد گفت چنين شخصى فقط به اسم و شناسنامه، مسلمان است، ولى مسلمان واقعى نيست. پيامبر اسلام (ص) مى‏فرمايد: «من اصبح لا يهتمّ بامور المسلمين فليس بمسلم؛(45) هر كس كه صبح كند و همتش خدمت به مسلمانان نباشد، مسلمان نيست.»

مى‏گويند: يكى از عرفا به نام «سرى سقطى» مى‏گفت: من سى سال است كه براى گفتن يك الحمدلله استغفار مى‏كنم، براى يك شكرگزارى از خدا. گفتند: چطور؟ گفت: من در بغداد دكان‏دار بودم، يك وقت خبر رسيد كه در فلان بازار بغداد حريقى رخ داده و بعضى مغازه‏ها سوخته است. دكان من هم در آن بازار بود. به سرعت رفتم ببينم دكان من سوخته يا نه. كسى به من گفت: آتش به دكان تو سرايت نكرده است، گفتم: الحمد لله، بعد با خودم فكر كردم كه آيا تنها تو در دنيا بودى؟ بالاخره آتش چهار تا دكان را سوزانده و دكان تو نسوخته است. الحمد لله معنايش اين است كه آتش دكان مرا نسوزانده و دكان ديگرى را سوزانده است، پس من راضى شدم به اين‏كه دكان ديگرى بسوزد و دكان من نسوزد. بعد با خود گفتم: تو غصه مسلمانان در دلت نيست. اينك سى سال است كه براى آن الحمدلله دارم استغفار مى‏كنم.(46)

گر مسلمانى از اين است كه حافظ دارد

آه اگر از پى امروز بود فردايى‏

آفات خدمت‏گزارى‏

خدمت به مردم، همچون عبادات ديگر، ممكن است در حين انجام يا پس از آن، دچار آفاتى شود. مهم‏ترين آفات خدمت‏گزارى عبارت‏اند از:

1 - ريا و خودنمايى: اخلاص، شرط صحت عبادت است و هر عملى كه با ريا همراه باشد از ارزش مى‏افتد. ريا، روح عمل را مى‏ميراند و آن را قالبى بى‏محتوا جلوه مى‏دهد. خدمتى كه براى شهرت و مقام و زيبا جلوه دادن اعمال و خوش‏نامى صورت گيرد، در پيش‏گاه حق، پذيرفتنى نيست. قرآن مجيد مى‏فرمايد: مانند آن كس نباشيد كه اموال خود را از روى ريا و خودنمايى انفاق مى‏كند و به خداوند و روز قيامت ايمان ندارد، زيرا فرجام او، فرجام آن كوه خارايى است كه بر روى آن قشرى از خاك متراكم را به صورت بوستان و كشت‏زارى پر ثمر پروده باشند و باران دانه درشتى، سيل آسا ببارد و قشر خاك را بلغزاند و در هم بپيچد كه جز صفحه خاراى صاف و براق بر جاى نماند و كشت‏كار چيزى به دست نياورد.(47)

امام صادق (ع) مى‏فرمايد: خداوند مى‏فرمايد: من بهترين شريك هستم، هر كس كه ديگرى را در عمل خود شريك قرار دهد، قبول نمى‏كنم، مگر عمل خالص را.(48)

2 - منّت گذارى: اخلاص در آغاز عمل و شروع به خدمت، كافى نيست. چه بسا ممكن است خدمتى براى خدا انجام گيرد ولى پس از اتمام، دچار آفت شود و ارزش خود را از دست بدهد؛ مانند بذرى كه به مرحله محصول‏دهى هم برسد اما پيش از برداشت محصول، دچار آفت گردد. منّت در اين مرحله، تأثير منفى خود را به جا مى‏گذارد و مانند نيشى است كه نوش خدمت را از بين مى‏برد. قرآن مجيد به نيكوكاران هشدار مى‏دهد كه صدقات خود را با منّت گذاشتن و اذيت كردن باطل نكنند.(49)

امام على (ع) خطاب به مالك اشتر و همه كارگزاران جامعه هشدار مى‏دهد كه مبادا خدمات عمومى را با منّت آلوده سازند و مى‏فرمايد: منّت نهادن، ارج نيكى را مى‏برد.(50) امام سجاد (ع) نيز در دعاى خود از خداوند مى‏خواهد كه خير و نيكى و خدمت را به منّت نهادن، تباه نسازد.(51)

خدمتى كه با منّت همراه باشد، مورد قبول پروردگار واقع نمى‏شود. اگر به اين مقدمه ارزش‏مند به درستى نگريسته شود، معلوم مى‏شود كه خدمت به ديگران، در واقع خدمت به خود است. بنابر اين جايى براى منّت باقى نمى‏ماند. توضيح آن كه ثمره خدمت به ديگران، به خود خدمت كننده، هم در دنيا و هم در آخرت باز مى‏گردد. در دنيا به آقايى و سرورى مى‏رسد و محبوب واقع مى‏شود و در آخرت به پاداش الهى دست پيدا مى‏كند. از اين رو گفته‏اند:

هر چه كنى به خود كنى‏

گر همه نيك و بد كنى‏

امام على (ع) مى‏فرمايد: هر كس كار نيكى كند، به خودش نيكى كرده است و از ديگرى پاداش و سپاس آن نيكى را كه به خود كرده است، نخواهد.(52)

امام سجاد (ع) نيز مى‏فرمايد: براى صدقه‏اى كه داده‏اى، بر كسى منّت نگذار، زيرا قدمى به سود خود برداشته‏اى.(53)

عوامل مؤثر در ايجاد روحيه خدمت‏گزارى‏

خدمت به ديگران، مانند هر صفت پسنديده ديگر، در پيدايى آن، عوامل و زمينه‏هايى دخالت دارند كه به مهم‏ترين آنها مى‏پردازيم:

1 - غلبه بر خودمحورى: كسى كه دچار خودمحورى شده باشد، نمى‏تواند به ديگران خدمت كند، زيرا خدمت به مردم، نوعى ايثار و فداكارى است. از اين‏رو در مرحله نخست، يك بازنگرى در شناخت و بينش لازم است. خود دوستى و حبّ ذات در نهاد انسان همواره خودنمايى مى‏كند و به دگر دوستى مجال فعاليت نمى‏دهد. از اين رو دگر دوستى و خدمت به مردم، مبارزه مستمر با خود پرستى را طلب مى‏كند و اين در گرو تزكيه و خودسازى و غلبه بر خود محورىِ شناختى و خود محورىِ عاطفى و خود محورىِ ارتباطى است؛ يعنى انسان نبايد فقط خود را ببيند و فقط خود را دوست داشته باشد، بلكه همواره بايد ديگران را بر خود مقدّم بدارد.

2 - ترويج فرهنگ خدمت‏رسانى: ايجاد روحيه خدمت كردن به هم‏نوع، يك روزه حاصل نمى‏شود. دوره كودكى و نوجوانى، دوره بنياد يافتن عواطف رقيق آدمى است. اين عواطف به تدريج پيدا مى‏شوند، شدت مى‏يابند و براى مدت طولانى پايدار مى‏ماند. اگر از ابتداى سنين طفوليت، بذر عواطف كاشته شود، اين آموزه‏ها، جزء پايدارترين عادات و ملكات فرد خواهند شد. بنابر اين بر خانواده و مدرسه و مربيان جامعه است كه با الهام از آموزه‏هاى دينى، به موضوع خدمت به خلق در كنار پرستش خالق و وظايف اجتماعى در رديف وظايف فردى اهميت داده شود و حساسيت به اين موضوع را در نونهالان و نوجوانان به وجود آورند. در اين باره، نقش الگوها بسيار مهم و تعيين كننده است.

روابط اجتماعى و عاطفى، بيش از همه، بر آيند تفكرات موجود در محيط خانه است. نگرش‏ها، جهت‏گيرى‏ها و برخوردهاى اعضاى خانواده به خصوص پدر و مادر، خواه ناخواه بر نظام فكرى فرزندان اثر مى‏گذارد. والدين مى‏توانند حس مسئوليت و دگر دوستى را با رفتار خود در وجود فرزندان خويش، نهادينه كنند.

3 - تقدير و تشويق: يكى از عوامل بسط و گسترش فرهنگ خدمت‏رسانى، سپاس‏گزارى از خدمت‏گزاران جامعه است. امام على (ع) به مالك اشتر مى‏فرمايد: مبادا نيكوكار و بد كردار در ديده‏ات برابر آيد كه آن، رغبت نيكوكار را در نيكى كم كند و بد كردار را به بدى وادار نمايد.(54)

در روايات اسلامى، ناسپاس‏ها رهزنان خير و نيكى معرفى شده‏اند. امام صادق (ع) مى‏فرمايد: خدا لعنت كند كسانى را كه راه خير را مى‏بندند؛ آنان كسانى‏اند كه ناسپاسى مى‏كنند. در نتيجه نيكوكار مانع از اين مى‏شود كه به ديگرى نيكى كند.(55)

قدردانى از زحمات و خدمات خادمان، آنان را در كارشان با انگيزه‏تر و مصمّم‏تر مى‏سازد و ديگران را نيز به اين امر مهم، سوق مى‏دهد.

4 - واگذارى امور به جوانان: ايجاد انگيزه خدمت و گسترش آن در بين مردم، به وجود فضاى مناسب نياز دارد. واگذارى امور به مردم و بها دادن به نيروى فعال و پر انرژى جوان در عرصه‏هاى مهم سياسى، اجتماعى، اقتصادى و فرهنگى جامعه، توجه به شايسته سالارى در گزينش افراد و پرهيز از قوميت‏گرايى و حزب‏گرايى، جامعه را به سمت و سوى خدمت بيشتر تشويق مى‏كند و بسيارى از بدگمانى‏ها را از بين مى‏برد. امام على (ع) مى‏فرمايد: رفتار تو چنان بايد كه خوش گمانى مردم فراهم آيد كه اين، رنج دراز را از تو مى‏زدايد.(56)

كارگزاران نظام بايد موانع حضور جوانان را در عرصه خدمت‏گزارى از پيش پاى آنها بردارند و به آنان اعتماد كنند.

خدمت‏رسانى در سيره امامان عليهم السلام‏

يكى از ويژگى‏هاى شاخص پيشوايان دين، خادم بودن آنان است. قرآن مجيد در مورد پيامبر اكرم (ص) مى‏فرمايد: رنج‏هاى شما بر او سخت است و بر هدايت شما اصرار دارد.(57) امام صادق (ع) مى‏فرمايد: رسول خدا (ص) هر گاه در نماز بود و شخصى نزد او مى‏آمد و مى‏نشست، نمازش را سبك مى‏كرد و سپس از او مى‏پرسيد: چه حاجتى دارى؟ وقتى نيازش را مى‏گفت، پيامبر (ص) آن را انجام مى‏داد و سپس به نماز مى‏ايستاد.

امام على (ع) با حفر چاه و احداث باغ در اطراف مدينه، مزرعه آبادى به نام «چشمه ينبع» به وجود آورد و در راه فقرا به مصرف رساند. شخصى به محضر امام آمد و به آن حضرت تبريك گفت. حضرت فرمود: به وارث مژده دهيد كه اين مزرعه را وقف كردم تا درآمد محصول آن در راه تأمين معاش و مخارج زائران خانه خدا و مسافران سفر حج به مصرف برسد.(58)

در مواردى نيز امامان براى گره‏گشايى، واسطه مى‏شدند و نامه‏نگارى مى‏كردند. نامه امام صادق (ع) به نجاشى، حاكم منطقه شيراز و اهواز، يكى از اين نمونه‏هاست.(59)

حضرت سجاد (ع) به منظور خدمت‏رسانى بيشتر به مردم، خود را ناشناس جلوه مى‏دهد تا بدون وجود مانع باز دارنده، به اين امر مهم بپردازد. واقعه زير كه مربوط به سفر امام سجاد (ع) به حج خانه خداست، گوياى جاى‏گاه رفيع اشتراك مساعى و ارائه خدمات اجتماعى در سيره و روش عملى آن حضرت است.

قافله‏اى از مسلمانان كه آهنگ مكه داشت، همين كه به مدينه رسيد، چند روزى توقف و استراحت كرد و بعد از مدينه به مقصد مكه به راه افتاد. در بين راه مكه و مدينه، در يكى از منازل، اهل قافله با مردى مصادف شدند كه با آنها آشنا بود. آن مرد در ضمن صحبت با آنها، متوجه شخصى در ميانشان شد كه سيماى صالحين داشت و با چابكى و نشاط، مشغول خدمت و رسيدگى به كارها و حوايج اهل قافله بود.

در لحظه اول او را شناخت. با كمال تعجب از اهل قافله پرسيد: اين شخص را كه مشغول خدمت و انجام كارهاى شماست مى‏شناسيد؟ گفتند: نه، او را نمى‏شناسيم، اين مرد در مدينه به قافله ما ملحق شد؛ مردى صالح و متقى و پرهيزگار است. ما از او تقاضا نكرده‏ايم كه براى ما كارى انجام دهد، ولى او خودش مايل است كه در كارهاى ديگران شركت كند و به آنها كمك بدهد. آن مرد گفت: معلوم است كه نمى‏شناسيد، اگر مى‏شناختيد، اين‏طور گستاخ نبوديد و هرگز حاضر نمى‏شديد مانند يك خادم به كارهاى شما رسيدگى كند. گفتند: مگر اين شخص كيست؟ گفت: اين، على بن الحسين زين العابدين (ع) است.

جمعيت، آشفته به پا خاستند و خواستند براى معذرت خواهى دست و پاى امام را ببوسند. آن‏گاه به عنوان گله گفتند: اين چه كارى بود كه شما با ما كرديد؟ ممكن بود خداى ناخواسته ما جسارتى به شما بكنيم و مرتكب گناهى بزرگ بشويم. امام (ع) فرمود: من عمداً شما را كه مرا نمى‏شناختيد، براى هم‏سفرى انتخاب كردم، زيرا گاهى با كسانى كه مرا مى‏شناسند مسافرت مى‏كنم، آنها به خاطر رسول خدا (ص) زياد به من عطوفت و مهربانى مى‏كنند و نمى‏گذارند كه عهده‏دار كار و خدمتى بشوم. از اين رو مايلم هم‏سفرانى انتخاب كنم كه مرا نمى‏شناسند و از معرفى خودم هم خوددارى مى‏كنم تا بتوانم به سعادت خدمت، نايل شوم.(60)

اين داستان ضمن بيان اهميت خدمت، به ما مى‏آموزد كه در نگاه اسلام، ديانت فقط به عبادت و مناجات محدود نمى‏شود، كه اينها بخشى از دين‏اند، نه تمام آن. يارى رسانى به مردم نيز مانند نماز و روزه، عبادت محسوب مى‏شود.

پرسش‏هاى متن درسى مقطع دبيرستان

لطفاً با توجه به متن درسى مقطع دبيرستان، گزينه‏هاى صحيح را انتخاب كرده و در پاسخ‏نامه مربوط (صفحه 110) علامت بزنيد.

1 . امام حسين (ع) چه چيزى را از جمله نعمت‏هاى خدا بر انسان مى‏داند؟

الف - نيازهاى مردم.

ب - قناعت.

ج - مواسات.

د - هدايت.

2 . با توجه به متن، مبارك به چه معناست؟

الف - بركت.

ب - سود دهى.

ج - ميمون.

د - گزينه‏هاى الف و ب.

3 . اين حديث از كيست؟ «نگاه مؤمن به چهره برادر مؤمنش از روى محبت، عبادت است».

الف - امام صادق (ع).

ب - امام باقر (ع).

ج - امام سجاد (ع).

د - امام على (ع).

4 . كدام گزينه صحيح است؟

الف - در احسان، ايثار نهفته است.

ب - در هر حال به كافر مى‏توان خدمت كرد.

ج - اگر به نا اهل نيكى شود، ضايع مى‏گردد.

د - خدمت‏رسانى، ارزش ذاتى ندارد.

5 . در كدام آيه، نيكوكارى، قبل از نماز و زكات آمده است؟

الف - نحل، آيه 91.

ب - رحمن، آيه 60.

ج - بقره، آيه 177.

د - آل عمران، آيه 20.

6 . آيه 128 توبه «... رنج‏هاى شما بر او سخت است...»، در مورد چه كس يا كسانى نازل شده است؟

الف - پيامبران.

ب - امامان.

ج - مؤمنان.

د - پيامبر اسلام (ص).

7 . رهزنان خير چه كسانى‏اند؟

الف - ربا خواران.

ب - ناسپاسان.

ج - بخيلان.

د - سست عنصران.

8 . نامه امام صادق (ع) به نجاشى در مورد چه بود؟

الف - اصلاح امور.

ب - رعايت ديگران.

ج - گره‏گشايى.

د - هر سه گزينه.

9 . صدقات با چه چيزى باطل مى‏شود؟

الف - منّت گذاشتن.

ب - آشكار كردن.

ج - اذيت كردن.

د - گزينه‏هاى الف و ج.

10 . مؤمن در چه چيزى شبيه درخت خرماست؟

الف - صبورى.

ب - نفع رسانى.

ج - استقامت.

د - نشاط.

11 . نيكى به ديگران، بدون انتظار پاداش مقابل، چه نام دارد؟

الف - احسان.

ب - ايثار.

ج - مواسات.

د - برّ.

12 . كدام عامل در ايجاد روحيه خدمت‏گزارى مؤثر است؟

الف - خودسازى.

ب - غلبه بر خودمحورى.

ج - شناخت خدا.

د - گزينه‏هاى الف و ب.

13 . چرا امام سجاد (ع) به طور ناشناس، خدمت مى‏كرد؟

الف - زيرا به اخلاص نزديك‏تر بود.

ب - كسى او را از اين كار باز ندارد.

ج - تا جاى‏گاه خدمت را مشخص كند.

د - هر سه گزينه.

14 . سر آمد عقل چيست؟

الف - ايمان به خدا.

ب - بشر دوستى.

ج - نيكى به مردم.

د - هر سه گزينه.

15 . در چه صورت مى‏توان به كافر خدمت كرد؟

الف - در صورتى كه نيازمند باشد.

ب - در هر حال مى‏توان خدمت كرد.

ج - در صورتى كه به ضرر مصالح بشرى نباشد.

د - گزينه‏هاى الف و ب.

پى نوشت ها:

1) امدادهاى غيبى در زندگى بشر، ص 17 - 18.

2) بحارالانوار، ج 74، ص 137.

3) اصول كافى، ج 2، ص 167.

4) بحارالانوار، ج 74، ص 137.

5) مستدرك الوسائل (چاپ قديم)، ج 2، ص 67.

6) مرتضى مطهرى، داستان راستان، ج 1، ص 10.

7) كنزالعمّال، ج 6، ص 430.

8) بقره (2) آيه 177.

9) سفينة البحار، ج 1، ص 353.

10) برگرفته از: سرگذشت‏هاى ويژه از زندگى امام خمينى، ج 1، ص 97 و 98.

11) صحيفه سجاديه، دعاى بيستم.

12) همان، دعاى سى‏ام.

13) تحف العقول، ص 282.

14) همان، ص 245.

15) بحارالانوار، ج 4، ص 289.

16) بحارالانوار، ج 15، ص 131.

17) مستدرك الوسائل، ج 2، ص 67.

18) ممتحنه (60) آيه 8.

19) سيدمجتبى موسوى‏لارى، رسالت اخلاق در تكامل انسان، ص 207.

20) تحف العقول، ص 282.

21) ميزان الحكمه، ج 2، ص 538.

22) مريم (19) آيه 31.

23) بحارالانوار، ج 71، ص 341.

24) همان، ص 283 - 342.

25) همان، ص 318.

26) همان، ص 313.

27) اصول كافى، ج 2، ص 175.

28) نحل (16) آيه 91.

29) الميزان، ج 14، ص 332.

30) رحمن (55) آيه 60.

31) فصلت (41) آيه 34.

32) سيدمجتبى موسوى‏لارى، رسالت اخلاق در تكامل انسان، ص 208.

33) بحارالانوار، ج 46، ص 98.

34) نهج البلاغه فيض الاسلام، ص 1131.

35) ميزان الحكمه، ج 4، ص 578.

36) غررالحكم و دررالكلم، ح 8642.

37) عبدالرزاق موسوى مقدم، زندگانى امام زين‏العابدين (ع)، ص 316.

38) كنزالعمّال، ج 6، ص 588.

39) ر.ك: عبدالرزاق موسوى‏مقدم، زندگانى امام زين العابدين (ع)، ص 226 - 275.

40) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 325.

41) مستدرك الوسائل، ج 12، ص 95.

42) نورى، دارالسلام، ج 2، ص 145.

43) مستدرك الوسائل، ج 12، ص 95.

44) اصول كافى، ج 2، ص 367.

45) سفينة البحار، ج 2، ص 723.

46) برگرفته از: مرتضى مطهرى، فلسفه اخلاق، ص 18 - 19.

47) بقره (2) آيه 264.

48) بحارالانوار، ج 7، ص 243.

49) بقره (2) آيه 264.

50) نهج البلاغه، نامه 45.

51) صحيفه سجاديه، دعاى مكارم الاخلاق.

52) دعائم الاسلام، ج 2، ص 320.

53) تحف العقول، ص 259.

54) نهج البلاغه، نامه 53.

55) وسائل الشيعه، ج 11، ص 539.

56) نهج البلاغه، نامه 53.

57) توبه (9) آيه 128.

58) وسائل الشيعه، ج 13، ص 303.

59) الكافى، ج 2، ص 190.

60) مرتضى مطهرى، داستان راستان، ج 1، ص 14 - 16.